info@payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

# پیام آشنا

شماره ۱۷۷۲
دوشنبه / ۲۹ دی / ۱۳۹۹
۴ / جمادی الثانی / ۱۴۴۲
18 / January / 2021

صاحب امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: باهره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان، رسمی دادگستری
تلفن: ۲۲۵۲۳۲۸۸-۲۲۵۲۳۲۳۳-۰۲۶ فکس ۲۲۵۵۲۸۲۸
فکس اینترنتی پیام آشنا: ۰۲۱-۸۹۷۸۶۷۲۹
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۴۲/۴۶
چاپ: کارگر

## کافه پیام

برای انعکاس نظرات و گلایه ها و پیشنهادات خوددرباره مسائل البرز با پیام آشنا تماس بگیرید

۳۲۵۵۳۸۳۸
۳۲۵۴۱۴۹۵
۰۹۰۱۴۰۴۸۳۳۳

## قاصدک

### چشمان تو

تا تو را دیدن فقط یک جرعه مانده
مستی هرشب مرا اینجا کشانده

این همه خوش رقصی از چشمان توست
چون نگاه تو مرا اینجا نشانده

گفتی بنشین و نشستم تا به صبح
هیچ غزل خوانی تو را جز من نخوانده

جای افسوس در فضای میکده
از هوای عشق تو چیزی نمانده

یک شب دیگر گذشت و بی وجودت
لحظه هایم را به پایانش رسانده

من چنین افسون این جام می و-
تا تو را دیدن فقط یک جرعه مانده

جوادسمنگانی

## قاب سبز

### تو دوای درد مایی

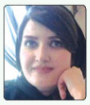

تو ترنم نگاهی
یا بصیرت شفاقی
تو سفیر درد مایی
یا حدیث درد مایی
تو ترانه امیدی
یا نوای غمگساری
تو ظهور یک امیدی
یا اقول یک غریبی
هر چه هستی هر که هستی
تو دوای درد مایی
تو در این سرای محنت
تو فقط دوای مایی

مهرو پیرحیاتی

## خبر

### ساخت قطعه‌ای در اوکراین بر اساس ترانه شمس لنگرودی

ترانه‌ای از سروده های شمس لنگرودی در قالب یک قطعه موسیقی اجرا خواهد شد.

**به گزارش پیام آشنا به نقل از ایسنا، ترانه شمس لنگرودی با نام «روح باران» با صدای نوید نوروزی در زمستان امسال منتشر خواهد شد.**

**«روح باران» براساس تمی از موسیقی کردی و به آهنگسازی محمد فرمانیان ساخته شده است. ضبط این اثر در شهر کیف، در کشور اوکراین با همکاری ارکستر ویرتوزهای اوکراین ضبط شده است. در شکل گیری این اثر شمس لنگرودی ترانه خود را بر روی ملودی شکل داده است. فضای غالب اثر عاشقانه است و ابیات آغازین آن این گونه است:**

**«در این زمستان به سوی تو پناه جانم/ چگونه آیم بسته پایم نمی‌توانم**
**تمام عمرم در این غربت به هیچ باغی/ تندیدمام من گلی حتی به خواب‌هایم»**

**این آهنگ با دکلمه‌ای از شمس لنگرودی آغاز می‌شود و در ادامه در چند جای دیگر هم صدای شمس لنگرودی را با دکلمه‌ی کلام می‌شنویم.**

از تمام خوانندگان پیام آشنا می خواهیم، یکی از مهم ترین مشکلاتی که در محله ی زندگی خود با آن دست به گریبان هستید برایمان پیامک کنید تا در ستون «پیامک های وارده» با نام تان-در صورت تمایل- منتشر شود.

SMS
۲۰۰۰۲۸۰۲۶۰۲۰

## امروز با حافظ

**ساقی به مژدگانی عیش از درم درآی**
**تا یک دم از دلم غم دنیا به دربری**
**در شاهراه جاه و بزرگی خطر بسیست**
**آن به که زین گریوه سبکبار بگذری**

## خوانش

در همه عمر به جز عشق نکردم کاری
آه اگر حاصل این کار، ندامت باشد

فروغی بسطامی

## اوقات شرعی فردا

| اذان صبح | طلوع آفتاب | اذان ظهر | غروب آفتاب | اذان مغرب |
|---|---|---|---|---|
| ۰۵:۴۶ | ۰۷:۱۷ | ۱۲:۱۳ | ۱۷:۰۸ | ۱۷:۲۷ |

## برگه

دوست داشتن یک نفر یعنی دیدن او به همان شکلی که خداوند اراده کرده است.

داستایوفسکی

## تلنگر

# برخی ملزومات پیش روی نشر ادبیات داستانی دینی

ادبیات داستانی دینی، بویژه در عرصه کودک و نوجوان طی یکی- دو دهه نخست بعداز انقلاب با رشد کیفی و کمی قابل‌توجهی مواجه شد. آنچنان‌که از اوایل دهه شصت به‌مرور شاهد افزایش تعداد نویسندگان فعال در این حوزه قدم گذشته‌اند یا خواهان آغاز فعالیت خود هستند. نکته‌ای که بر اساس تجربه خودم بر آن تأکید بسیاری دارم؛ اینکه قبل از انتخاب آثار دست به تشکیل گروه کارشناسان بزنند تا انتشار کتاب‌های داستانی دینی از دریچه بررسی‌های این افراد رخ بدهد.

البته دراین‌بین فراموش نکنند که حتماً به سراغ نویسندگان و منتقدان باتجربه ادبیات دینی بروند؛ هرچند که تشکیل گروه‌های کارشناسی بررسی کتاب از ملزومات انتشار آثار در همه حوزه‌ها است و تنها به ادبیات داستانی دینی محدود نمی‌شود. بااین‌حال رعایت آن برای موضوعات دینی به سبب حساسیت‌های بیشتر از اهمیتی به‌مراتب جدی‌تر برخوردار است.

متأسفانه برخی افراد، چه در جایگاه ناشر و چه نویسنده در شرایطی به سراغ داستان‌های دینی می‌روند که اطلاعی از ملزومات آن ندارند؛ از سوی دیگر یکی از آسیب‌هایی که متوجه آثار جای گرفته در این عرصه می‌شود برخی کپی‌پردازی‌های بی‌کیفیت است. البته این مسأله هم تنها خاص کتاب‌های دینی نیست اما اهالی کتاب باید بدانند که نباید بدون برخورداری از تجربه و تخصص لازم، دست روی این حوزه بگذارند.

اینجا دیگر فقط بحث آسیبی که کپی‌پردازی‌ها به صاحبان اصلی اثر می‌زند در میان نیست؛ آثار غیراصولی و کپی‌برداری ناقص به مخاطبان هم آسیب جدی می‌زند و قادر به اثرات مخربی است. حالا دراین‌بین اگر بحث کودکان و نوجوانان در میان باشد که با مسأله‌ای به‌مراتب جدی‌تر طرف خواهیم بود. به گمانم والدین جوان می‌توانند در انتخاب آثار برای کودکان و نوجوانان خود به سراغ فهرست‌هایی بروند که هرازگاهی از سوی نشریاتی همچون مجله رشد منتشر می‌شود. جشنواره‌ها هم اغلب نقش خوبی در معرفی آثار استاندارد دارند؛ هرچند که عمده توجه مجریان آنها به موضوعات دیگر است.

از همین رو بهتر است که برنامه ریزان جشنواره‌ها به حوزه ادبیات داستانی دینی هم توجه بیشتری کنند. از سوی دیگر علاقه‌مندان چه برای مطالعه خود و چه فرزندانشان می‌توانند به سراغ آثار نویسندگان و ناشرانی بروند که پیش‌تر کتاب‌های آنان را خوانده‌اند و اعتمادشان جلب شده است. باوجود برخی اما و اگرهایی که در ارتباط با آثار منتشر شده در این حوزه به آنها اشاره شد با این حال نمی‌توانم منکر آثار خوبی بشوم که هرازگاهی شاهد تألیف آنها از سوی نویسندگان هستیم؛ جالب است که برخی از این نویسندگان سن و سال بسیار کمی هم دارند. از همین رو معتقدم با برنامه‌ریزی جدی‌تر و قدری همراهی میان دست اندرکاران فرهنگی و اهالی نشر می‌توان ارتقای بیشتری را در این حوزه رقم زد.

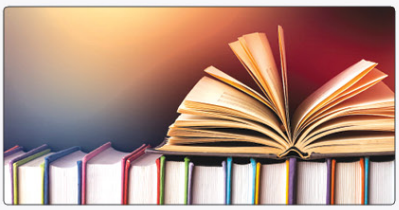

**نادر قدیانی**
**ناشر و از رؤسای پیشین اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران**

## پرده جراید

# جانش در ایران مأوا داشت

**اعتماد: رضا مختاری اصفهانی** - محمدعلی جمال‌زاده نماد نسلی از مهاجران ایرانی است که ریشه در این خاک داشتند. آنان هر چند مانند ماهی جداافتاده از دریا از سرزمین آبا و اجدادی خود جدا افتاده بودند اما در بلاد غریب نیز به یاد دیار حبیب سر می‌کردند. این ایرانیان با ساخت مدرسه و مسجد ایجاد انجمن‌های فرهنگی و اجتماعی و انتشار روزنامه در زنده‌داشت فرهنگ و تمدن ایرانی می‌کوشیدند. سرگی کار این افراد زمانی بیشتر دریافته می‌شود که به قلت امکانات و صعوبت ارتباط آنان با ایران در آن روزگاران توجه شود.

اهمیت کار جمال‌زاده به جز حفظ ارتباط با ایران، تلاشش در احیا و اعتلای فرهنگ ایرانی با وجود اقامت در غرب و تاثیر بر نهادها و نخبگان فرهنگی است. او نوجوانی ایران را به‌قصد تحصیل در بیروت ترک کرد. پدرش، سیدجمال‌الدین واعظ اصفهانی که در بیان فرزند، آزاداندیش خوانده شده، یکی از حلقه‌های اتصال جامع منورالفکری با توده‌ها بود. سیدجمال با انجمن‌های سکولار مشروطه‌خواه ارتباط داشت و بعد از به توپ بستن مجلس اول توسط قزاقان روس از جمله افراد مورد کین محمدعلی شاه بود. محمدعلی در خارج از ایران بود که از قتل پدر توسط عمال محمدعلی‌شاه با خبر شد. این اتفاق اگرچه جان جمال‌زاده را خلید اما کام او را تلخ نکرد. او هیچگاه از ایران نبرید هر چند رگ حیات پدرش را در این سرزمین بریدند. برای ایران نوشت و از نویسندگانِ داستان‌نویسی مدرن در سرزمین پدری شد. در قصه‌هایش از عوام گفت و از ادبیات عامیانه بهره برد. قصه مردمان سرزمینش را چنان تعریف می‌کرد که گویی هنوز با آنان می‌زید. در کلامش همچنان از طنز شیرین مردمان زادگاهش، اصفهان، وجود داشت.

بخشی از نوشته‌هایش هم توصیفاتی از همشهریان سابقش بود. از جمله در هر و نه یک کریلس؛ شرحی جالب از پهلوانان و لوطیان اصفهان دارد. اهمیت کار جمال‌زاده در این است که به جز آمد و شدهای گاهیگاه به ایران بیشتر عمرش در فرنگ گذشت. همین دوری از وطن موجب طعنه منتقدانش بود.

آنان کتاب «خلقیات ما ایرانیان» را به دلیل همنشینی با غربیان می‌دانستند. کتابی که حاصل نگاه منفی غربیان به ایرانیان است.

## مقاله

نزدیک به ۲۰ سال بعد از اولین حمله قلبی پدرم در حالی که از او دور بودم، می‌ترسیدم بدون آنکه بتوانم او را دلداری دهم یا از او خداحافظی کنم، شاهد از دست دادن او باشم. او ناگهان در یک صبح ماه سپتامبر درگذشت. بعدازظهر همان روز به خانه دوران کودکی برگشتم. او هنوز آنجا بود. در حالی که روح از بدنش رخت بربسته بود وقتی وارد شدم جمع کوچکی از چهره‌های آشنا آنجا بودند. من او را در آغوش گرفتم و در آغوش گرفتن او چیزی است که بسیار دلتنگ آن خواهم شد. او آغوشی باز برای همه داشت اما دیگر دیر شده بود.

یک هفته بعد از آن به یک الگوی جدید رسیدم. روزها دیوانه‌وار بودند. روزهایی پر از تشریفات، دیدارها، ترتیباتی که باید انجام می‌شد. خود را تا جای ممکن در اجتماع غرق کرده بودم و در عین حال غم و اندوه در وجودم بود. وقتی هیاهو از بین رفت، پشت میز پدرم نشستم، لپ‌تاپم را باز کردم و مشغول کار شدم. متوجه شدم که این کار آرامش‌بخش است و بعد از آن خیلی زود به دفتر کار برگشتم. کارها، ضرب‌الاجل‌ها و همکاران به‌طور همزمان باعث شدند از غم فاصله بگیرم و حضور پدرم را احساس کنم. محل کار جایی بود که او را بیش از پیش زنده می‌دیدم. جایی که همیشه می‌توانستم او را در آنجا پیدا کنم.

این روزها زیاد به آن خاطرات رجوع می‌کنم. روزهایی که پر از درد از دست دادن عزیزان بودند و پر از خاطرات کار و تجربه‌های از یک شیوه زندگی. امسال غم و اندوه همه‌جا را فرا گرفته است. اگرچه درباره آن نوشته‌شده و درباره آن بحث شده است اما اکنون با شروع سال جدید با شدت بیشتری احساس می‌شود. بخشی از آهنگ تعطیلات که می‌گوید: «تمام آنچه که من برای کریسمس می‌خواهم تو هستی» وقتی غم از دست دادن کسی را در دل داریم معنای پررنگ‌تری پیدا می‌کند.

بله، امسال غم و اندوه همه‌جا را فرا گرفته است اما ما هیچ‌جایی برای عزاداری نداریم به‌جز آنلاین. حال که زندگی اجتماعی و کاری مجازی شده است، بسیاری از افراد دسترسی به آداب و رسوم آشنا، دورهمی‌ها و روال‌های معمولی که جهت تسلی خاطر برای عزیزان از دست‌رفته صورت می‌گرفت را از دست داده‌اند. ازدست‌دادن چند چیز می‌تواند ما را در معرض خطر قرار دهد و این مسأله نیاز به مدیریت دارد. نوعی مدیریت متفاوت از آنچه مدت‌ها به آن عادت کرده بودیم.

### غم پیچیده

غم و اندوه تجربه شخصی ازدست‌دادن است. عزاداری فرآیندی است که از طریق آن یاد می‌گیریم با کمک دیگران با از دست دادن روبه‌رو شویم. آشفته شویم و بعد کم‌کم‌کم به زندگی بازگردیم. سال گذشته پس از خواندن کتاب پرشوری از روانشناس بریتانیایی جولیا ساموئل تحت‌عنوان «غم و اندوه کارآیی دارد» با او درباره مقاله‌ای که همراه با سالی میتلیس پروفسور دانشگاه آکسفورد نوشتم، مصاحبه کردم. ساموئل با صحبت درباره اینکه «تجربه ازدست‌دادن واقعا چقدر فیزیکی است» مراتحت‌تاثیر قرار داد. عزاداری کاری است که ما با بدن خود و با یکدیگر انجام می‌دهیم. این کار به استقامت و قضا نیاز دارد.

او همچنین تاکید کرد که برای بسیاری از افراد، همان‌طور که برای من هم صادق بود، کار و محل کار می‌تواند یکی از آن فضاهایی باشد که به عزاداری کمک می‌کند.

کار می‌تواند احساس استقامت و پیش‌بینی‌پذیری ایجاد کند و محل کار می‌تواند باعث آرامش باشد. کار روزمره آرامش‌بخش است. گاهی اوقات همکارانی که به ما اهمیت می‌دهند، می‌توانند به اندازه اعضای خانواده بازرش و در عین‌حال کم‌توقع‌تر باشند. ما همکارانی را که عزیزی را از دست داده‌اند در آغوش می‌گیریم؛ تیم ما هنگام مواجهه با ازدست‌دادن یکی از اعضای خود دورهم می‌نشینند؛ یا بی‌سروصدا در کنار هم کار می‌کنیم تا از غم و اندوه خود عبور کنیم.

حال چه اتفاقی می‌افتد وقتی در محاصره غم و اندوه هستیم و برای ماه‌های متوالی دور از هم و با فاصله کار و زندگی می‌کنیم؟ ساموئل اخیرا به من گفت «بسیاری از غم‌ها منجمد باقی خواهند ماند. چراکه بسیاری از افراد پشتیبانی و حمایت کافی برای غمگین‌بودن خود را نخواهند داشت.» این شرایطی است که در آن تجربه عادی و سالم عزاداری می‌تواند با یک چرخش ناتوان‌کننده همراه باشد که به آن اصطلاحا «غم‌پیچیده» گفته می‌شود. این اصطلاح به تداوم درد مزمن، بی‌علاقگی و گمراهی مدت‌ها بعد از آنکه کسی را از دست دادیم، اشاره دارد.

از هم‌اکنون گزارش‌هایی درباره خستگی مزمن، عصبانیت و بی‌حسی در محیط کار حاصل شده است. تجربیاتی از این دست اغلب به‌عنوان علائم فرسودگی شغلی، بعد از انفجار درونی ناشی از وحشت در یک دوره بحران ۹ ماهه ظهور می‌کنند. اما طی یک سال پر از تجربه ازدست‌دادن توام با فاصله‌داشتن از یکدیگر چنین تجربیاتی می‌توانند بیانگر یک مجموعه غم‌پیچیده باشند.

من گمان می‌کنم حتی کسانی که از کار مجازی و دورکاری استقبال می‌کنند نیز با عزاداری مجازی راحت نیستند و آن استقبال نمی‌کنند. به‌عنوان مثال، اخیرا متوجه شدم که اینکه‌دایین هم رویه خود را تغییر داده است. در سال ۲۰۲۰ تعداد بیشتری از افراد درباره اینکه از شبکه خود ناامید شده‌اند، بحث کردند. به گفته بیل کورنل، روان‌درمانگر و نویسنده آمریکایی متخصص در ماهیت تجسم‌یافته روابط و از دست‌دادن‌ها، این مبادلات مجازی ممکن است تاثیرگذار باشند، اما کاملا شبیه لمس واقعی نیستند. کورنل طرفدار کلمه کار از راه‌دور به‌جای کلمه کار مجازی است تا به خود یادآوری کنیم که کار با این روش نیز ضرر دارد، یعنی مجاورت فیزیکی. کورنل استدلال می‌کند: هنگامی که دور بودن خود را قبول می‌کنیم، می‌توانیم اثرات آن را درک کنیم. به‌عنوان مثال، خستگی که بعد از یک کنفرانس ویدئویی احساس می‌کنیم، ممکن است ریشه در این واقعیت داشته باشد که هر جلسه که در زوم برگزار می‌کنیم به‌طور ماهرانه‌ای به ما یادآوری می‌کند که حتی اگر همکاران ما بسیار زنده در مقابل ما نشسته باشند، اما در بطن موضوع ما یکدیگر را از دست داده‌ایم. ساموئل با همین استدلال به من یادآوری کرد که ازدست‌دادن رفاقت و روال کار اداری باعث خاتمه روابط ما با کار و همکاران نمی‌شود اما یافتن راه‌های جدید برای فراخوان حضور، صبر و حمایت نیاز به ایجاد فضا و آمادگی ازدست‌دادن دارد.

### چگونه می‌توان فضایی برای ازدست‌دادن ایجاد کرد

بسیاری از خسارت‌ها قابل‌جبران نیستند. اما فضای عزاداری برای این خسارت‌ها می‌تواند در محیط کار مجددا ساخته شود و مدیران برای انجام این کار بهترین موقعیت را دارند. آنها کسانی هستند که می‌توانند افراد را در زمان ازدست‌دادن سرپناه دارند. خواه مرگ عزیزان یا ازدست‌دادن کار یا شریک‌زندگی، به آنها در سالم‌ماندن، وفاداری و بهره‌وری کمک می‌کنند. در اینجا به ذکر نحوه انجام این کار می‌پردازیم.

در ابتدا، قبول کنید که افراد مضطرب، آسیب‌پذیر و گمراه می‌شوند. این شامل خود شما هم هست. طوری وانمود نکنید که گویی همه‌چیز عادی است. تجربه خود را به اشتراک بگذارید. از دیگران بخواهید آنها نیز تجربه خود را بازگو کنند و این رفتار را عادی کنید. حتی تنها اینکه بگویید دلتان برای چه چیزهایی در روزهای کاری قدیم در محل کارتان تنگ شده است و اینکه برای مواجهه با این دلتنگی چه می‌کنید می‌تواند روح و روان شما را آزاد کند. دوم، بعد از همدردی، حقیقت را بگویید. برای این مساله شواهدی وجود دارد. فرض کنید مساله‌ای وجود دارد که در حال حاضر با آن مواجه هستیم. سوال بپرسید. شنیدمدن اضطراب افراد را کاهش می‌دهد، حتی اگر پاسخی برای سوالات آنها نداشته باشید. اگر پیش‌بینی درازمدت دشوار است، بهتر است اصلا پیش‌بینی نکنید. به‌عنوان مثال، به اشتراک گذاشتن درآمد ماهانه شرکت و برنامه‌های شما برای مقابله با افت‌شدید، بهتر و مفیدتر از آن است که با افراد درباره اینکه سه‌ماهه پیش‌رو تا چه حدروشن و امیدوارکننده است، سخن بگویید.

سوم، کلرو اساده کنید آن را مدیریت‌پذیر تر کنید. وقتی مضطرب هستیم و دورکاری می‌کنیم، این مساله به ما کمک می‌کند تا بر اهداف مشخص و معین تمرکز کنیم. تا بدانیم چه انتظاری از ما می‌رود و چه میزان کافی است. چنین صراحتی بالاخص زمانی اهمیت دارد که افراد به محل کار بازمی‌گردند، اما بازهم به حالت عادی قدیمی نمی‌رسد.

اینکه افراد بدانند از آنها انتظار می‌رود کجا، چه زمان و برای چه‌مدت کار کنند مهم است. غم و اندوه تصویرسازی ذهن را از بین می‌برد و آن را با تصورات ویرانگر پر می‌کند.

همانطور که افراد عزادار می‌توانند با تمرکز بر تنفس خود، وعده‌های غذایی یا ورزش معمولی به آرامش برسند، در کار قابل‌مدیریت نیز ارزش وجود دارد. غم و اندوه احساس اختیار را از بین می‌برد و کار می‌تواند به بازگرداندن آن کمک کند. ساموئل نوصیه می‌کند: «داشتن کاری که می‌توانید وقتی احساس ناتوانی می‌کنید آن را انجام دهید، بسیار مفید است.»

همه این اقدامات به همکارانتان کمک می‌کند تا واقعیت را بپذیرند و آنها را به سمت زمان حال حاضر سوق می‌دهد. بهترین کاری که می‌توان انجام داد این است یادآوری به خودمان که ما در حال حاضر اینجا هستیم. ما اغلب به گسلی که وظیفه مدیریت و رهبری را بر عهده دارند می‌گوییم که اعتمادبه‌نفس را به تصویر بکشند، تخیل خود را گسترش دهند و بر آینده تمرکز کنند. کورنل هشدار می‌دهد که جهت‌گیری آینده «خوب است و هیچ اشکالی ندارد، اما این کار مشول خواهد بود وقتی با افرادی نشسته‌اید که حتی نمی‌دانند برای هفته آینده چه برنامه‌ای دارند. چه رسد به آینده»

با گفتن همه اینها منظورم این نیست که باید با یک «شیوه نرمال جدید» به تعریف‌شده کنار بیاییم. مثل این می‌ماند که به کسی که عزیزی را از دست داده است بگوییم که «آن را فراموش خواهی کرد» ما هیچ‌وقت آنها را فراموش نمی‌کنیم. اما ماندن در زمان حال، تمرکز بر واقعیت بی‌ثباتی و دوری می‌تواند به ما کمک کند که به راه خود ادامه دهیم و یاد بگیریم که با ازدست‌دادن زندگی کنیم و شاید آرام‌آرام از طریق آن رشد کنیم.

برای آنکه مدیران بتوانند فضایی برای ازدست‌دادن ایجاد کنند، باید آنقدر شجاعت داشته باشند که چیزی را در خودشان از دست بدهند: اصول و دستورالعمل‌هایی که مدت‌هاست به آنها جهت می‌دهد. با چرخش از آینده به حال، از تخیل برانگیخته به قلبی محکم، از اعتمادبه‌نفس به توجه، یک مدیر می‌تواند به ما کمک کند تا راه خود را بازیابیم و آرام‌آرام کمی امید داشته باشیم. من قبلا هم نوشته‌ام که رهاشدن از نسخه‌های قدیمی می‌تواند به ما کمک کند تا مدیریت را انسانی کنیم به همین ترتیب، این ماه‌هایی که در آن همدیگر را از دست داده‌ایم می‌تواند به انسانی‌شدن کار کمک کند.

اگر این مساله به ما یادآوری کند که برای تقسیم و تسکین غم و اندوه خود به فضا نیاز داریم، دور بودن حتی ممکن است ما را به‌هم‌نزدیک‌تر کند. این ممکن است یک پایان امیدوارکننده برای یکسال از دست دادن باشد.

**مترجم: رویا مرسلی**